

دوم تیموتائوس ۱۶:۲ ((تمامی کتب از الهام خداست ...))

کتاب مقدس و قرآن

ما عادت کرده ایم بگوییم کتاب مقدس کلام خداست در حالی که به خوبی میدانیم تمام کتب مقدسه طی حدود ۱۰ قرن توسط قوم بنی اسرائیل و سپس مسیحیان نوشته شده اند. چگونه میتوان این دو باور را با هم آشتی داد؟

یهودیت، مسیحیت و اسلام، سه دین یکتاپرست، سه دین اهل کتاب نیستند، هر چند که قرآن، مسیحیان اهل کتاب میخواند (آل عمران ۶۴-۶۵) در حقیقت طرز نگرش مسلمانان بر قرآن با طرز نگرش یهودیان یا مسیحیان بر کتاب مقدس و عهد جدید متفاوت است. تلقی این سه گروه از کتب مقدسه الهام شده یکی نیست.

با آشنایی به نگرش دوستان مسلمانان در مورد الهام قرآن، بهتر میتوان موضعگیریشان را در مورد الهامی بودن کتاب مقدس امروزی درک کرد. در این خصوص نقل قولهایی از کتاب «قرآن شناخت» نوشته آقای بهالدین خرمشاهی از انتشارات طرح نو در زیر آورده میشود که توضیح خود مسلمانان در رابطه با وحی و تدوین و جمع آوری قرآن میباشد.

((حضرت رسول پیش از آنکه به پیامبری مبعوث شود، از دین پاک و یا آیین حنیف که بازمانده سنت و آیین توحیدی ابراهیمی بوده است پیروی میکرده است ... در یکی از روزهایی که در غار حرا در نزدیکی مکه به ذکر و فکر و تأمل و مراقبه مشغول بود، ناگهان جبرئیل در هئیتی عظیم و شکوهمند بر او ظاهر میگردد و کتابی پیچیده در حریر به حضرت عرضه میدارد و میگوید، بخوان ... هنوز نمیدانسته که این آغاز وحی است ... و با واسطه جبرئیل که فرشته امین وحی است، با او سخن گفته است و بدینسان فرو فرستادن کتاب آسمانی آغاز گردیده است ... حضرت رنگ پریده و نفس بریده، خود را به خانه رساند و تب و لرز سراسر وجودش را فرا گرفته بود... سپس قنوت یعنی فراق و فاصله ای در نزول وحی پیش آمد ... بعد دوباره جبرئیل بر حضرت ظاهر شد ... در حین نزول وحی به حضرت رسول احوال سنگین گوناگونی دست داده است نظیر لرزیدن، گرم و برافروخته شدن و ... پس از انجام گرفتن هر وعده یا نوبت وحی، حضرت رسول الفاظ قرآن را که به نحوی بی اختیار و اراده او به روشنی در خاطرش نقش بسته بود، به یاد می آورد و به بعضی از یارانش که به کاتبان وحی معروف بودند، املا میکرد ... نزول قرآن مجید عبارت است از فرود آمدن وحی به تقاریق (تکه تکه و جز به جز و آهسته آهسته با فاصله زمانی ... قرآن کریم دو نزول دارد یک نزول کامل و دفعی و یکبارگی که انا انزلنا فی لیله القدر اشاره به آن دارد و در این شب کل قرآن به صورت جمله واحده (یکبارگی) از لوح محفوظ به بیت العزّه یا بیت المعمور (در آسمان چهارم) نازل شده است. یک نزول هم نزول تاریخی و تدریجی است که به مدت ۲۳ سال انجام گرفته است ... نزول قرآن مجید، چند آیه به چند آیه بوده است که تعداد این آیات را ۳ تا ۵ گفته اند. مراد از جمع و تدوین قرآن این است که چگونه وحی تدریجی نهایتاً به صورت کتابی در آمد ... در سراسر عصر نزول وحی و حیات پیامبر اسلام، قرآن به صورت مکتوب ولی غیر کتابی ... بر روی چیزهایی نظیر چرم و استخوانهای شانه و دنده گوسفند و ... نوشته شده بود ... در عصر ابوبکر جنگهای رده یعنی ارتداد پیش آمد و عده ای از قبایل و اقوام عرب از اسلام برگشتند ... ابوبکر خطر خطیر این شورشها را دریافت و مدعیان پیامبران دروغین نظیر مسیلمه کذاب را هم سرکوب کرد... در جنگ یمامه عده ای کثیر از حافظان قرآن گذشته شدند ... کسانی که از سرنوشت قرآن نگران بودند، به نزد عمر رفتند ... عمر به نزد ابوبکر رفت و به پیشنهاد عمر بود که ابوبکر (خلیفه وقت) پذیرفت که باید به جمع و تدوین قرآن عاجلانه همت گماشت ... زید همه نوشته های پراکنده قرآنی را جمع کرد و هر آیه قرآنی را ولو آنکه دهها حافظ و دهها نوشته، موید و مطابق آن بود، با اخذ حداقل دو شاهد میپذیرفت ... قرآن جمع و تدوین زید همچنان متشکل از صحیفه ها بود و به صورت مصحف نبود و سرانجام آن را در جعبه ای نهادند... این نسخه را طبق وصیت ابوبکر در اختیار عمر نهادند... عثمان در سال ۲۴ ق، به عنوان جانشین عمر و پس از او به خلافت رسید. در زمان او با فتوحات شگرف مسلمانان و رفتن قرآن به سرزمینهای تازه گشوده، اختلافات و مشکلات بسیاری در قرائت و تلفظ کلمات قرآن پیش آمده بود... عثمان انجمنی مرکب از زیدبن ثابت و سعیدبن عاص و عبدالله بن زبیر و عبدالرحمن بن حارث تشکیل داد... کار نسخه برداری را آغاز کردند ... نخستین

کاری که کردند این بود که تمام نوشته های زمان پیامبر اسلام را گرد آورند. سپس نسخه کتابت زید را در زمان ابوبکر را که نزد حفصه محفوظ مانده بود، به امانت گرفتند. قرار بر این بود که هر وقت سهتن همکار زید با او در کتابت کلمه ای اختلاف یافتند به لهجه قریش کتابت کنند ... به این ترتیب کار تدوین متن نهایی ... پیش رفت و مصحف امام یعنی مصحف نمونه و رسمی و نهایی، معروف به مصحف عثمانی، در فاصله چهار پنج سال ... سرانجام یافت و از روی آن پنج یا شش نسخه عینا استنساخ شد. دو نسخه در مکه و مدینه نگاه داشته شد و سه یا چهار نسخه دیگر هر یک همراه با یک حافظ قرآن که نقش معلم و راهنمای درست خوانی داشت به مراکز مهم جهان اسلام ... ارسال شد. سپس عثمان دستور داد که تمام کتیبه ها، نوشته ها، استخوانها، پوستها، سنگهای نازک سپید و نظایر آنها که آیات قرآنی بر آنها نوشته شده بود و صحابه برای تدوین متن نهایی تقدیم داشته بودند، با آب و سرکه جوشانده و محو شود.))

قرآن خود را مانند وحی دیکته شده بر آخرین پیامبر معرفی میکند بر طبق قرآن، عیسی آمدن پیامبری را که احمد میباشد پیشگویی میکند. بر طبق ادعای قرآن، قرآن کلام محمد نیست بلکه کلام خداست. وازگان، صرف افعال و قافیه (آهنگ آیات) همه از خدا می آیند. در اینجا ارتباطی مستقیم بدون دخالت انسانها و بدون هیچ کار ادبی وجود دارد. بدین خاطر متن قرآن متنی بدون چون و چراست.

حال میفهمیم چرا اسلام هنوز هم تفسیر منتقدانه تاریخی مدرن که کتاب مقدس را منتقدان با آن محک میزنند قرآن نمیتواند بپذیرد. همه پیامبران در قرآن ارزشمند هستند (آل عمران ۸۴) بدون اینکه چهارچوب تاریخی، کمترین اهمیتی داشته باشد. بنابر متن قرآن، امتهای، حوادث گذشته را فراموش کردند و بیشتر آنها نابود شدند(انبیا ۱۰-۱۵) پس اسلام دین جدیدی نیست! بلکه دین ابراهیم و آدم و دینی که همیشه بوده است.

در بندهای بالا با گوشه ای از عقاید اسلامی در مورد وحی و الهام قرآن آشنا شدید و به علت وجود انواع کتابها در این خصوص توضیح بیشتری داده نمیشود؛ در ادامه به وحی و الهام کتب مقدسه یهودیان و مسیحیان نگاه میکنیم و با درک فرق فاحشی که بینشان وجود دارد میتوان دریافت که چرا مسلمین و اقوامی که آنها را « اهل کتاب » خطاب میکنند تا کنون با هم اختلاف نظر دارند و وقتی یک مسلمان برای اولین بار با متن کتاب مقدس روبرو میشود در الهامی بودن آن تردید میکند.

عهد جدید، منظومه ای جدا شده نیست، بلکه به کتبی دیگر مربوط است که مسیحیان آن را عهد عتیق میخوانند و این دو با هم کتاب مقدس را تشکیل میدهند. بنابراین کتاب مقدس یک مجموعه است و در واقع، میتوانیم از یک کتابخانه سخن بگوییم که در آن عهد عتیق نماینده کتب منتخبه مقدسی از دوران اسرائیل باستانی است و کتب عهد جدید نماینده کتب برگزیده از دوران اولیه کلیسا. در این مجموعه اتحادی موجود است اما با وجود این شخص باید در اظهار نظرهایی که ادعا میکنند « کتب مقدسه میگویند ... » محتاط باشد، همچنان که هنگامی که مقصودمان نقل قول از جین آوستین یا شکسپیر است نباید بگوییم « کتابخانه عمومی میگوید ... ». جمله بندی صحیح تر نام بردن از یک کتاب یا نویسنده خاص است مثلا (اشعیا میگوید) یا (مرقس میگوید) بدین صورت میتوانیم افرادی را از دورانهای مختلف زمانی با ایده های متفاوت که هر کدام از کتب کتاب مقدس را به رشته تحریر درآورده اند مشخص نماییم. با وجودی که این کتب به دلیل تعلق آنها به کتاب مقدس معنی و ارزشی مضاعف می یابند، باز هم نمیتوان فردیت آنها را در نظر نگرفت.

صحبت کردن از کتب مقدسه « اسرائیل » باستانی، کلی گویی است. فاصله زمانی مابین ابراهیم تا عیسی حداقل ۱۷۰۰ سال است و وازگان و شرایط مختلفی مشخص کننده گروههای اصلی درگیر در این شرح هستند. اغلب واژه « عبرانیان » توصیف کننده پیشینیان قبل از موسی و شبه جزیره سینا میباشد. (اسرائیل) واژه ای مناسب برای هم پیمانی و اتحاد قبایلی است که بعد از واقعه سینا به وجود آمدند و تشکیل یک پادشاهی در سرزمین کنعان - فلسطین دادند.

بعد از مرگ سلیمان { حدود ۹۲۰ قبل از میلاد } " یهودیه " پادشاهی جنوب بود با مرکزیت اورشلیم، و «اسرائیل» پادشاهی شمال با مرکزیت سامره . یهودیان (از نظر ریشه یابی در ارتباط با یهودیه) واژه ای مناسب از زمان پایان اسارت قوم در بابل و گسترش فرمانروایی پارسها تا یهودیه است (قرن ششم قبل از میلاد) به طور دقیق تر میتوانیم بگوییم « یهودیت اولیه » یا « یهودیت معبد دوم » واژگانی مشخص کننده دورانی از زمان بازسازی معبد اورشلیم بعد از بازگشت از تبعید (۵۲۰ - ۵۱۵ قبل از میلاد) است تا زمان ویرانی آن به دست رومیها (۷۰ میلادی) دورانی که عیسی در اواخر آن زندگی میکرد .

با وجودی که کتابهای در برگیرنده عهد عتیق حاوی جزئیات اولیه موجود به صورت شفاهی و کتبی هستند آنها در دورانی ما بین ۱۰۰۰ تا ۱۰۰ قبل از میلاد به رشته تحریر درآمده اند . تیتیر " عهد عتیق " نامگذاری مسیحی است، و نشان دهنده اعتقاد به مجموعه ای ثانویه از کتب مقدسه در رابطه با عیسی که به عنوان « عهد جدید » شناخته میشود. در واقع گرایش در این دو روزنامه در میان بعضی از مسیحیان و یهودیان وجود دارد که از به کار بردن واژه « عهد عتیق » خودداری مینمایند گویی که واژه ای تحقیر آمیز است .

واژه جایگزینی که اغلب پیشنهاد میشود « کتاب مقدس عبری » یا « کتب مقدسه عبری » به چندین دلیل مشکل ساز است :

۱ - واژه " عبری " را ممکن است این طور درک کرد که مربوط است به عبرانیان به عنوان یک قوم به جای اینکه اشاره ای باشد به زبان عبری .

۲ - قسمتی از کتابهای عزرا و دانیال که به عنوان کتب شرعی مورد قبول یهودیان و مسیحیان است به زبان آرامی و نه عبری نوشته شده بودند .

۳ - در قسمت اعظم تاریخ مسیحیت در کلیسا از کتاب مقدس یونانی به جای کتب مقدسه به زبان عبری استفاده شده است .

۴ - طی قرون متمادی در کلیسای غرب ، ولگات لاتین مورد استفاده بوده نه کتب مقدسه به زبان عبری .

۵ - « کتب مقدسه عبری » کتبی را ارائه میدهد که به عنوان مستقل مشخص شده اند ، در حالی که عهد عتیق تداعی کننده رابطه ای با عهد جدید است .

با وجود این هیچ کتاب مقدس مسیحی وجود ندارد بدون اینکه این دو قسمت با هم در رابطه تنگاتنگ باشند. اگر مسیحیان به استفاده از واژه (عهد عتیق) ادامه دهند ، آنها باید روشن کنند که این واژه تحقیرآمیز نیست بلکه توصیف کننده است و هدف آن تمایز ما بین کتبی است که اینطور نامیده شده و کتب عهد جدید. در طرز تفکر سنتی مسیحی کتب عهد عتیق همان قدر مقدس و ارزشمند می باشند که کتب عهد جدید می باشند.

با وجودی که یهودیان زمان عیسی دارای دیدگاهی درباره نوشته های مقدسه تثبیت شده در دو قلمرو « شریعت » و « انبیا » بودند اما اتفاق نظری درباره اینکه این (نوشته ها) شامل کدام کتابهایی بودند وجود نداشت . بعضی از آثار همانند مزامیر از همان ابتدا به عنوان جزیی از این دسته بندی مورد قبول قرار گرفته بودند (به لوقا ۲۴:۴۴ مراجعه کنید) اما توافق کلی درباره تثبیت محتویات کتب مقدسه برای اکثریت یهودیان در طی قرن دوم میلادی حاصل شد. کتابهایی که در آن زمان مورد موافقت قرار گرفتند آنهایی بودند که به زبان عبری یا آرامی حفظ شده بودند.

مسیحیان به دلیل اینکه درباره عیسی به زبان یونانی موعظه مینمودند بیشتر تمایل داشتند از کتب مقدسه یهودی به ترجمه یونانی نقل قول نمایند، عمدتاً از نسخه ای که « هفتادتنان » نامیده میشد. در بین کتی عهد عتیق چند کتاب وجود دارد که پروتستانها آنها را کتب " آپوکریفا " و کاتولیکها بر آنها نام " کتب برحق متاخر " را نهاده اند . کتاب مقدس فاسی چون به وسیله پروتستانها ترجمه شده است کتابهای آپوکریفا در آن نیست اما جناب آقای پیروز سیار این کتابها را به فارسی ترجمه نموده است که توسط نشر نی در ایران، با عنوان (کتابهایی از عهد عتیق) به چاپ رسیده است . مطالعه این کتاب خالی از لطف نیست .

ماهیت عهد جدید

واژه (عهد) قبل از اینکه برای مجموعه نوشته هایی مورد استفاده قرار گیرد، به برخورد خاص خدا با انسانها اشاره مینمود. در داستان عبرانیان و اسرائیل ما درباره « عهد » به معنی پیمان، میشنومیم که خدا توسط عهد به نوح، ابراهیم و به داود قول داد که کمک و یا فیض خاصی به آنها ببخشد. اما در روایات ، شاخصترین عهد، عهدی است که خدا با موسی و اسرائیل بست (خروج ۱۹: ۵ ، ۳۴: ۱۰ و ۲۷) و به سبب آن اسرائیل قوم خاص خدا گردید .

تقریباً ۶۰۰ سال قبل از تولد عیسی، در زمانی که سلطنت در یهودیه و اسرائیل در برابر فشار لشگریان بیگانه در حال فروپاشی بود ارمیا از یک وحی خداوند گزارش میکند: ((**اینک ایامی می آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد جدیدی خواهم بست نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم ... اینک شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود (ارمیا ۳۱: ۳۱ - ۳۳)**))

(جدید) در اینجا دارای معنی ضمنی " تازه " می باشد گرچه این عهد تازه « همانند عهدی که با پدران ایشان بستم » نیست؛ و میتواند همان قدرتی را داشته باشد که هنگامی که از سوی ایمانداران به عیسی برای اولین بار مورد استفاده قرار گرفت داشت، چنان که در گفتار و ایده آلهای ارمیا طنین انداز بود - دوم قرننثیان ۳: ۶ ؛ غلاطیه ۴: ۲۴ - ۲۶ - تمام روایات کلمات سپاسگزاری در شام شب قبل از مرگ عیسی واژه « عهد یا پیمان جدید » را به خون او ربط میدهد. بنابراین مسیحیان باور داشتند که خدا از طریق مرگ و رستائیز عیسی پیمان خود را با بعدی تازه تجدید نموده است . آنها به این درک رسیدند که این عهد اینک فراتر از اسرائیل و شامل امتهای نیز به عنوان قوم خدا میشود. تعمقهای مذهبی مسیحیان و روابط خصمانه ما بین مسیحیان و برخی از یهودیان که عیسی را قبول نکرده بودند در نهایت به این فرصیه رهنمون شد که عهد جدید (به معنی پیمان) به جای پیمان قدیم موسی که اینک کهنه شده است قرار گرفته است (عبرانیان ۱۲: ۲۴) البته حتی کتب مقدسه اسرائیلیان برای مسیحیان نیز کتب مقدسه باقی ماند.

در قرن دوم ما شواهدی برای به کارگیری واژه (عهد جدید) در مجموعه ای از نوشته های مسیحی می یابیم، که نهایتاً به استفاده از واژه (عهد عتیق) برای کتب مقدسه اسرائیلیان منجر میشود. اما هنوز هم چندین قرن باید سپری شود تا مسیحیان در کلیسای لاتین و یونانی به توافق کلی در این مورد که حدود بیست و هفت کتاب را می باید در مجموعه کتب شرعی و قانونی جای داد، دست یابند. در قسمت بعدی در ادامه این بحث به تاریخچه کلی، چه زمانی عهد جدید نیز به عنوان کتب شریعت مورد قبول قرار گرفت ، اشاره شده است .

این غریزه که خوانندگان بالقوه کتب عهد جدید نیاز به پیش زمینه ای خواهند داشت بزودی آشکار گردید. جزئیات درباره کتب عهد جدید (نویسندگان و شرایط تنظیم این مکتب) توسط « مقدمه هایی » که در اناجیل و

برخی از رسالات یافت می‌شد و نیز توسط خرده اطلاعات باستانی که (موراتوریا) نامیده می‌شوند به دست آمده است. اولین رساله مقدماتی شناخته شده در این مورد " معرفی مختصر کتب مقدسه " از آدریان است، رساله ای درباره hermeneutics یا شیوه های تفسیر کتب مقدسه. هزار سال بعد رسالات مختلف دیگری که میتوان آنها را معرفی کننده در نظر گرفت، اطلاعاتی از سنتهای گذشته درباره کتب مقدسه را جمع آوری و بازگو نموده اند. اما به هر حال، افتخار اولین معرفی علمی عهد جدید به یک سری نوشته هایی ما بین ۹۵-۱۶۸۹ تعلق دارد که توسط یک کشیش فرانسوی، ریشارد سیمون، به رشته تحریر درآمده است. او در مورد چگونگی نگارش کتب عهد جدید و نگهداری آنها به صورت متون مختلف، مطالعه نمود. نتیجه گیری های او از دیدگاه هم کاتولیک و هم پروتستانهای سنت گرا رسوایی و آبرو ریزی تلقی شد.

در اواخر قرن هجدهم و در تمامی قرن نوزدهم (مقدمه ها) به صورت وسایلی برای ابراز افکار و تصورات متضاد درباره تاریخچه مسیحیت اولیه درآمد، زیرا محققین، کتب مختلف عهد جدید را به مکتبهای مختلف فکری قرون اول و دوم منسوب نمودند. این رویه تا به امروز تا حدودی در ارائه آمریکایی (مقدمه ای بر عهد جدید) توسط نورمن پرین و هلموت کوستر یافت میشود.

نگارش، حفظ و جمع آوری کتب مسیحی

بسیاری افراد امروزه تصور میکنند که مسیحیان همیشه کتاب مقدس را همانگونه که ما امروزه داریم، داشته اند و یا اینکه نوشته های مسیحی از همان ابتدا موجود بوده است. در حالی که شکل گیری کتب عهد جدید، که شامل به وجود آمدن و حفظ آنچه که توسط پیروان عیسی تنظیم گردیده بود، کاری بس پیچیده بوده است.

کتب رسمی کتاب مقدس هم زمان با نوشته شدن هر کدام از کتابها، شکل می یافت و هنگامیکه آخرین کتاب آن پایان یافت، کامل گردید. وقتی که درباره جمع آوری این کتب رسمی صحبت میکنیم، در واقع منظور ما تثبیت کتب رسمی به وسیله کلیسا است و این کار مدت زمانی طول کشیده است. گروهی اضحار میدارند که همه کتابهای عهد عتیق به وسیله عزرا نبی در قرن پنجم قبل از میلاد جمع آوری و به رسمیت شناخته شده است. اشاراتی که به وسیله یوسفوس (سال ۹۵ م) و کتاب دوم اسدراکس باب ۱۴ (سال ۱۰۰ م) عنوان گردیده است، نشان میدهد که تعداد کتابهای رسمی عهد عتیق ۳۹ کتابی است که امروزه ما میشناسیم. به نظر میرسد که با مباحثه انجام شده در شورای جامنیا (۷۰-۱۰۰ م) کتب رسمی موجود، تثبیت شده است.

عیسی مسیح هنگامیکه کاتبان را به گناهکار بودن در رابطه با به قتل رساندن همه انبیایی که خداوند برای قوم بنی اسرائیل فرستاده بود (از هابیل تا زکریا) متهم کرد، محدوده کتابهای رسمی عهد عتیق را مشخص نمود (لوقا ۱۱: ۵۱) البته نقل داستان مرگ هابیل در کتاب پیدایش و داستان مرگ زکریا نیز در دوم تواریخ ۲۴: ۲۰ - ۲۱ که آخرین کتاب در ترتیب کتابهای کتاب مقدس عبرانیان می باشد (نه ملاکی که آخرین کتاب، کتاب مقدس فارسی هست) آمده است. بنابراین این مطلب مانند آن است که مسیح گفته باشد که: ((گناه شما در تمام کتاب مقدس از پیدایش تا ملاکی ثبت گردیده است)) . او هیچ یک از کتابهای آپوکریفا را که در آن زمان وجود داشتند را در این محدوده قرار نداده است.

در سطور بالا توضیح داده شد که در زمان عیسی، یهودیان متوجه نوشته های مقدسه خود یعنی شریعت، انبیا و سایر کتب بوده اند، کتبی که هنگامی که مسیحیان اولیه از کتب مقدسه صحبت میکردند، منظور نظر بوده است. چرا مسیحیان اولیه تا حدودی در نوشتن کتب متعلق به خودشان کند بوده اند؟ یک عامل اساسی کندی این بود که بر خلاف موسی که بر طبق روایات نویسنده کتب پنجگانه بوده، عیسی نوشته ای که حاوی

مکاشفات او باشد از خود به جا نگذارد. هیچگاه گزارش نشده که او حتی یک کلمه در طول عمر خود نوشته باشد و یا به شاگردان خود گفته باشد که چنین بنویسند.

بنابراین اعلام ملکوت خدا توسط عیسی منوط به نوشتن نبود. به علاوه نسلهای اولیه مسیحی قویا به زمان آخر اعتقاد داشتند. برای آنها (زمانهای آخر) در دسترس قرار داشت و بدون تردید عیسی می باید بزودی بازگردد « ماران اتا - اول قرننیا ۲۲:۱۶ » و « بیا ای خداوند عیسی . مکاشفه ۲۰:۲۲ » چنین انتظاری از پایان جهان مسیحیان را به نوشتن برای نسلهای آینده تشویق نمی نمود.

الهام به چه مفهوم؟

کلمه مکاشفه (Revelation) به سادگی به معنای پرده برداری و آشکار کردن است . اغلب در ارتباط با کتاب مقدس به این معناست که خداوند چیزهایی را برای انسان آشکار میسازد که در غیر آن صورت ناشناخته باقی میماند. در هر حال این تعریف ، حقیقتا تعریف مناسب نیست ، زیرا چیزهای زیادی در کتاب مقدس وجود دارند که چون انسان خود شاهد عینی وقایع بوده است .

مکاشفه در کتاب مقدس به دو دسته تقسیم میشود یکی مکاشفه عمومی یا عام که در رومیان باب ۱ آیات ۱۸-۲۱ میتوان نمونه آن را مشاهده نمود و دیگری مکاشفه خاص است که بدون انجام شدن به وسیله خدا، انسان قادر نیست درک درستی از آن داشته باشد مانند پاسخ این سوال که خدا کیست؟ اگر خدا خودش از ماهیتش پرده برداری نکند انسان به درستی نمیتواند پاسخ این سوال را بیابد .

مکاشفه به موضوعی گفته میشود که خدا آن را آشکار نموده است و الهام مربوط به گزارشی از آن مکاشفه است . در دوم تیموتائوس ۳:۱۶ واژه ای که به فارسی " الهام " ترجمه شده است در اصل یونانی اش کلمه Inspiration است که از دو واژه « theos » به معنی خدا و « pneo » به معنی دمیدن تشکیل شده است به عبارت دیگر آیه میگوید که کتاب مقدس حاصل عمل خدا است .

الهام یعنی نظارت و حاکمیت خداوند بر نویسندگان کتابهای کتاب مقدس بگونه ای که با به کار گیری شخصیت منحصر به فرد آنها، مکاشفه خدا به انسان به وسیله کلماتی که دست نوشته های اولیه را تشکیل میدهند، بدون هیچگونه خطا و اشتباهی نوشته و ثبت گردیده است .

کارل بارت سال ۱۸۸۶ در سوئیس به دنیا آمد. وی فرزند ارشد یک کشیش بود . کارل بارت بعد از سپری کردن تحصیلات در چندین دانشگاه ، مشغول خدمت کلیسایی شد. وی دوازده جلد حجیم در مورد (اصول ایمانی کلیسا) به نگارش در آورد . الاهیات بارت، الاهیات کلام است .

این کلام، کلام خدا و مکاشفه خداست که موضوع الاهیات به شمار می آید . بارت تاکید زیادی بر مکاشفه خدا و کتاب مقدس دارد و خود را کسی میداند که به بسیاری از بینشهایی که اصلاحگران دینی خصوصا کالون مطرح ساختند، بازگشت کرده است . اما وی صرفا به برداشت سنتی از کتاب مقدس بازگشت نکرده و نگرش او بیشتر، راست دینی نوین است . بارت میگوید کلام خدا در واژههایی پویا مشاهده میشود و نه در واژه هایی ایستا. از نظر او به کلام خدا نه به عنوان آموزه ها یا کلمات یا گزاره ها، بلکه باید همچون یک واقعه نگریست. واقعه ای که اتفاق می افتد. کلام خدا، واقعه تکلم خدا با انسان در عیسی مسیح است و مسیح مکاشفه شخصی خداباماست. از دیدگاه بارت راست دینی کهن با تبدیل کلام خدا به موضوعی ایستا؛ یعنی صرفا با تبدیل کلام خدا به نگارشهای کتاب مقدس که انسان میتواند آن را همچون بدن شخصی مرده تحلیل و کالبد

شکافی کند ، دچار اشتباه شده است . اما کلام خدا نه به عنوان موضوع شناسایی که ما میتوانیم آن را تحت تسلط خود داشته باشیم، بلکه به عنوان عامل شناسایی که بر ما تسلط دارد و بر ما عمل میکند ، به مواجهه با ما می آید .

یک دانشمند نمیتواند برای بررسی و مطالعه رعد و برق آن را در آزمایشگاهش ایجاد کند یا از آن در آزمایشگاه نگهداری نماید . وی تنها میتواند هنگامی که رعد و برق به وقوع میپیوندد آن را مورد بررسی قرار دهد. به همین شکل نیز، کلام خدا واقعه ای است که بر ما واقع میشود؛ یعنی همانا واقعه تکلم دا با ما توسط عیسی مسیح . کلام خدا دستورالعملی ایستا، حاوی مجموعه ای از اطلاعات نیست بلکه واقعه ای پویاست که مستلزم نشان دادن واکنش ، از سوی ماست .

بارت معتقد است که کتاب مقدس کلمات انسانی ای هستند و هنگامی که خدا بر آن میشود تا توسط آنها سخن بگوید، به کلام خدا تبدیل میشوند. خدا توسط عیسی مسیح با انسان سخن گفته است و کتاب مقدس بر این امر شهادت میدهد، کلیسا این شهادت کتاب مقدس را اعلام میکند. هنگامی که کتاب مقدس خوانده شده یا اعلام میگردد خدا توسط کلام مکتوب و اعلام شده مجددا سخن میگوید بنابراین هنگامی که خدا بر آن میشود تا بدین سان عمل نماید، کلام مکتوب و اعلام شده در عمل به آنچه در مورد آن شهادت میدهد تبدیل میشوند؛ یعنی خدا توسط عیسی مسیح با ما سخن میگوید. بنابراین، کتاب مقدس بدین معنی کلام خداست که به مکاشفه خدا در گذشته گواهی میدهد و به مکاشفه خدا در آینده وعده میدهد.

این سه شکل کلام خدا، کلام مکشوف ، کلام مکتوب و کلام اعلام شده ، از یکدیگر جدانپذیرند اما در حقیقت یک کلام وجود دارد که به سه شکل دیده میشود . این نگرش را میتوان با آموزه تثلیث مقایسه کرد و بهتر درکش کرد.

کتاب مقدس چیست؟

۱ – ادعا میکند که تمام کتابمقدس را خدا الهام (دمیده) است ، دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ این بدان معناست که خدای حقیقی ، حقیقت را دمیده است .

۲ – کتاب مقدس ادعا میکند که عاری از خطا و لغزش است . چطور ممکن است که این ادعای خداوندمان ، عیسی مسیح را در مورد خصوصیت ابدی و همیشگی حروفی که کلمات کتاب مقدس را تشکیل میداده اند، توضیح داد ((زیرا هر آینه به شمامیگویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه ای از تورات ، هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود – متی ۵: ۱۸))

۳ – کتاب مقدس عاری از خطاست اما از زبان مجازی هم استفاده کرده است مانند مکاشفه ۱: ۷ که از چهارگوشه زمین صحبت میکند .

۴ – انکار نمیکنیم که قسمتهایی در متن کتاب مقدس وجود دارند که با آنها دست به گریبانیم اما " ابهام " در یک قسمت، به معنی " اشتباه" بودن آن قسمت نیست .

ختم کلام

خدای سرمدی که پنهان و ماورای درک انسانهاست ، خود را به قوم اسرائیل آشکار کرد . خدا با برداشتن فاصله ای که خالق را از خلقتش و آن قدوس را از انسانهای گناهکار جدا میساخت، در تاریخ یک قوم وارد شد و نقشه های پر از مهربانی و محبت خود نسبت به آنها را در پیمانی آشکار کرد که آغازگر نجاتی جهانشمول بود.

در عهد قدیم میخوانیم که این خود کشفی خدا در یک پیام و در وقایعی که این پیام اعلام میکرد و بیان میداشت، صورت پذیرفت. خدا میگفت و خدا عمل میکرد. کلام و عمل با هم پیش میرفتند. خدا خود را به موسی آشکار نمود. سپس او حمایت دائمی خود را از آنها و آزادیشان از بندگی مصر را به ایشان وعده داد. او شرایط پیمانش را به اسرائیل اعلام کرد و قوم را به صورت ملتی کاهن درآورد. کلام خدا هرگز جدا از عمل او نبود و عملش نیز بدون کلامش صورت نمیدپذیرفت. کلام، آن عمل را راهنمایی، همراهی یا احیا میکرد و عمل فقط از طریق کلام معنی پیدا میکرد. این الگوی دو بعدی در خودکشفی الهی، دو رکن اساسی در برپایی آیین نیایشی اسرائیل را تعیین میکرد. در آیین نیایشی ، کلام خدا که از طریق پیشوایان مذهبی، از طریق موسی و انبیا آشکار میشود، به قوم اعلام میگشت و کارهایی که خدا از طریق آنها اسرائیل را نجات میداد در اعمال نیایشی یادآوری میشد.

از طریق برپایی این نیایشها ، کلام خدا و کارهای نجات بخش او دیگر اموری صرفا مربوط به گذشته نمیبودند بلکه در جامعه، زنده و فعال باقی میماندند که خود قدرتی برای امید، برای احیای مجدد، برای خلقت مکرر ملنیت اسرائیل بودند. آیین نیایشی اسرائیل در حالی که خودکشفی خدا را به جامعه یادآوری میکرد، یک کیفیت ویژه داشت. خود آن در عین حال پرستش خدا بود. خدایی که خودش را آشکار کرده بود، از قومی که با آنها پیمان بسته بود، جواب میخواست . او اطاعت میخواست، کلامی که به آنها اعلام کرد میبایست در ایمان پذیرفته میشد و ایشان کارهای خدا برای نجاتشان را باید به عنوان سمبل زنده سپاسگزاری گرامی می داشتند.

منابع :

دایره المعارف کتاب مقدس

کلام و راز در کلیسا، گریگوری باوم

از عهد جدید چه میدانیم؟ ، ریموند ای. براون

تاریخ تفکر مسیحی ، تونی لین

قرآن شناخت ، بها الدین خرمشاهی

تفسیر کاربردی عهد جدید؛ توماس هیل و استیفان تورسون

Besharat66@yahoo.com

www.kelisajavanan.blogfa.com